

## منطق خون در قیام امام حسین علیه السلام با نگاهی بر شهادت حضرت علی اصغر علیه السلام

دکتر محمد رنجبر حسینی<sup>۱</sup>

فاطمه فرح زادی<sup>۲</sup>

### چکیده

از جمله ویژگی‌های شاخص قیام امام حسین علیه السلام، خونین شدن این قیام با خون مطهر شهیدان، به ویژه حضرت علی اصغر علیه السلام است. بر اساس نقل مقاتل و کتاب‌های تاریخی و مفاد زیارت‌نامه‌ها، امام حسین علیه السلام در روز عاشورا خون زخم و جراحت خویش را به آسمان پاشید و صورت مبارکش را با آن رنگین کرد. همچنین خون علی اکبر علیه السلام و علی اصغر علیه السلام را نیز به هنگام شهادت به آسمان پاشید و قطره‌ای از آن خون‌ها به زمین بازنگشت. بر این خونین کردن صحنه شهادت بهترین عزیزان از سوی امام حسین علیه السلام، به ویژه علی اصغر علیه السلام منطق و اهدافی حاکم است. نوشتار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای، به کشف این منطق خون می‌پردازد.

**کلیدواژه‌ها:** امام حسین علیه السلام، حضرت علی اکبر علیه السلام، حضرت علی اصغر علیه السلام، منطق خون، عاشورا.

۱. عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه قرآن و حدیث (ranjbarhosseini@gmail.com)

۲. کارشناس ارشد کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث (313nora110@gmail.com)

## مقدمه

امام حسین علیه السلام با خون خود و شهدای کربلا، به پیکر بشریت زندگی بخشید. رنگ خون از نظر تاریخی، ثابت ترین رنگ هاست و رنگی که هرگز محو نمی شود، رنگ قرمز است. امام حسین علیه السلام تعمّدی داشت که تاریخ خویش را با این رنگ ثابت و زایل نشدنی بنویسد.

در کتب تاریخی می خوانیم که بسیاری از پادشاهان و افرادی که می خواستند نامشان در تاریخ ثبت شود، پیام خود را روی سنگ یا فلز می نوشتند؛ اما آنها زیر خوارها خاک مدفون شدند و اکنون نیز که از زیر خاک بیرون آورده می شوند، کسی برای آن پیام، اهمیتی قائل نمی شود؛ سخنانی است که روی سنگ نوشته شده، ولی روی دل ها نوشته نشده است. امام حسین علیه السلام پیام خود را نه روی سنگ نوشته شده، ولی روی دل ها نوشته نشده گفت، در هوای لرزان و در گوش افراد طنین انداخت، اما در دل ها ثبت شد، به طوری که از دل ها گرفتنی نیست (مطهری، ۱۳۷۷: ۳۷۲/۱۷).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی این جاودانه بودن نام و یاد امام حسین علیه السلام در دل ها را این گونه بیان می فرماید:

إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا؛ (نوری، ۱۴۰۸: ۱۰/۳۱۸)

از شهادت حسین آتشی در جان مسلمین برافروخته می شود که تا قیامت خاموشی و سردی نمی پذیرد.

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا سه بار صحنه آسمان را با خون خویش و فرزندانش خونین کرد تا پیام نهضتش با استواری تمام در تاریخ ثبت شود. یکی از احساسی و عاطفی ترین این صحنه ها، لحظه شهادت طفل شیرخواره ایشان، حضرت علی اصغر علیه السلام است. جاری شدن خون از زیر سنگ ها و باریدن خون از آسمان بعد از شهادت امام حسین علیه السلام نیز بر خونین بودن یاد و راه ایشان دلالت دارد. در ادامه به منطق امام حسین علیه السلام در خونین نمودن روز عاشورا می پردازیم.

## منطق خون

مراد از منطق خون در این نوشتار، این است که خونین کردن صحنه های شهادت

حضرت علی اکبر علیه السلام و علی اصغر و پاشیدن خون آنها به آسمان توسط امام حسین علیه السلام و همچنین خود اباعبدالله در هنگام شهادتش، هدفمند و هوشمندانه بوده است. بر اساس همین منطق است که پس از شهادت امام حسین علیه السلام از زیر سنگ ها خون جاری می شود و از آسمان باران خون می بارد.

### بررسی واژه «ثارالله»

از جمله القاب امام حسین علیه السلام که در اغلب زیارت نامه های ایشان وارد شده و به موضوع این مقاله نیز ارتباط دارد، واژه «ثارالله» است. در زیارت عاشورا چنین می خوانیم:

السلام عليك يا ثارالله وابن ثاره.

این تعبیر، در زیارت های دیگر نیز، از جمله زیارت مخصوص امام حسین علیه السلام در اول رجب، نیمه رجب و شعبان، روز عرفه، عید فطر، عید قربان و... آمده است (مکی، ۱۴۱۰: ۱۴۴). امام صادق علیه السلام در زیارت نامه ابی عبدالله علیه السلام می فرماید:

أَنَّكَ ثَارُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ مِنَ الدَّمِ الَّذِي لَا يُدْرِكُ ثَرْتَهُ أَحَدٌ مِنَ أَهْلِ الْأَرْضِ؛  
(ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۹۴)

ای سیدالشهدا! تو خون خدا در زمینی؛ همان خونی که هیچ کس جز خداوند انتقام آن را نمی تواند بگیرد.

علامه مجلسی در تفسیر این حدیث می گوید:

کسی هستی که خداوند انتقام خونس را از قاتلانش خواهد گرفت. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۵۱/۹۸)

«ثار» در لغت معانی متعددی دارد. «ثار» از ریشه «ثأر» و «ثؤرة» به معنای انتقام، خون خواهی و خون آمده است (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۱/۲۳۷). از این روبه معنای خون و آن هم نه مطلق خون، بلکه خونی که قابل قصاص باشد اطلاق می شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱). در معنای ثارالله گفته شده است که به معنای خون خداست (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۷۰).

پرسشی که در این جا مطرح می شود، این است که «خون خدا بودن» یعنی چه؟ مگر

خداوند خونی دارد که کسی خون او باشد؟ در پاسخ باید گفت در ادبیات دینی، کلماتی مانند یدالله، وجه الله، عین الله و باب الله بسیار به چشم می خورد. ذات حق منزه است از این که او را متصف به صفات جسمانی کنیم، بلکه این گونه صفات که در مباحث کلامی به صفات خبریه شناخته شده اند، تأویل برده می شوند و دارای معنای باطنی هستند. در حدیث «قرب نوافل» از پیامبر ﷺ روایت شده است که خداوند فرمود:

بندۀ من به چیزی دوست داشتنی تر از واجبات، نزد من اظهار دوستی نمی کند و همانا او با نوافل نیز به سوی من اظهار دوستی می کند. آن گاه که او را دوست بدارم، گوش او می شوم که با آن می شنود و دیده او می شوم که با آن می بیند و زبان او می شوم که با آن سخن می گوید و دست او می شوم که با آن ضربه می زند و پای او می شوم که با آن راه می رود. اگر به درگاه من دعا کنید، او را دوست خواهم داشت و اگر از من درخواست کند، به او عطا می کنم. (برقی، ۱۳۷۱: ۱/۲۹۱)

از این روایت، آشکار می شود که اولیای خداوند، «خلیفه» او بر روی زمین و مظهر افعال الهی اند. خداوند جسم نیست؛ اما آن چه را که اراده می کند انجام دهد، از طریق دست اولیای خود به ظهور می رساند و کمکی را که می خواهد به سوی بنده ای بفرستد، با پای اولیای خود می رساند و خونی را که می خواهد از سوی خود برای احیای دین خودش ریخته شود، از طریق شهادت اولیای خودش ظاهر می سازد. از این رو، همان طور که دست امام علی علیه السلام دست قدرت خدا و یدالله است، خون امام حسین علیه السلام نیز خون خدا و ثارالله است. از این رو، در زیارت عاشورا می خوانیم:

السلام علیک یا ثارالله وابن ثاره والوتر الموتور؛

سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون او! سلام بر تو ای یگانه دوران.

همان گونه که نقش خون در بدن آدمی نقشی حیاتی است و نبودش، مرگ و زندگی او را رقم می زند، وجود مقدس امام حسین علیه السلام نزد خدا و در دین او چنین نقشی دارند که اگر آن حضرت نبود، اسلام و تشیع نیز باقی نمی ماند.<sup>۱</sup>

۱. اقتباس مختصری از مقاله خون بهای خدا (https://hawzah.net)

منطق امام حسین علیه السلام منطق شهید بود. منطق شهید یعنی منطق کسی که برای جامعه خود پیامی دارد و این پیام را جز با خون با چیز دیگری نمی خواهد بنویسد (مطهری، بی تا: ۱۴۹/۱۷). در واقع نهضت امام حسین علیه السلام یک حماسه بزرگ اسلامی و الهی بود؛ از این رو آن حضرت این نهضت را با رنگ خون در تاریخ ثبت کردند. در روز عاشورا چندین بار خون از بدن مبارک امام حسین علیه السلام جاری شد و این قیام را در طی مراحل گوناگون به رنگ خون، رنگین نمود که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

### خونین شدن قیام عاشورا با خون امام حسین علیه السلام

الف) اصابت تیر به پیشانی و صورت امام علیه السلام و پاشیدن خون به آسمان

در روایتی اصابت تیر بر پیشانی امام حسین علیه السلام این گونه گزارش شده است:

كُلَّمَا حَمَلَ [الْحُسَيْنُ علیه السلام] بِنَفْسِهِ عَلَى الْفُرَاتِ حَمَلُوا عَلَيْهِ حَتَّى أَحَالُوهُ عَنِ الْمَاءِ. ثُمَّ رَمَى رَجُلٌ مِنْهُمْ بِسَهْمٍ - يُكْتَى أبا الحُتُوفِ الجُعْفِيِّ - فَوَقَعَ السَّهْمُ فِي جَبْهَتِهِ، فَنَزَعَ الْحُسَيْنُ علیه السلام السَّهْمَ فَرَمَى بِهِ، فَسَالَتِ الدِّمَاءُ عَلَى وَجْهِهِ وَحَيْتِهِ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ علیه السلام:  
اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى مَا أَنَا فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ هَؤُلَاءِ الْعُصَاةِ الطَّغَاةِ، اللَّهُمَّ فَأَحْصِهِمْ عَدَدًا،  
وَاقْتُلْهُمْ بَدَدًا، وَلَا تَذَرْ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ مِنْهُمْ أَحَدًا، وَلَا تَغْفِرْ لَهُمْ أَبَدًا. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۷۸: ۴/۴۰۱)

هرگاه حسین علیه السلام، به تنهایی به سوی فرات یورش می برد، به او حمله می کردند تا او را از [رسیدن به] آب، بازدارند. آن گاه مردی از آنان - که کنیه اش ابو حُتُوف جُعْفِی بود - تیری انداخت و بر پیشانی حسین علیه السلام نشست. حسین علیه السلام تیر را کند و آن را انداخت. خون بر صورت و محاسنش، سرازیر شد. سپس گفت: «خدا یا! تومی بینی که من از دست این بندگان نافرمان و طغیانگرت، در چه حالی هستم. خدا یا! یک یک آنان را به شمار آور و جدا از هم و متفرق، هلاکشان ساز و هیچ یک از آنان را بر روی زمین، باقی نگذار و هرگز آنان را میامرزا!»

### روایت دوم

مسلم بن رباح مولى على بن أبى طالب علیه السلام: كُنْتُ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام يَوْمَ قِتْلِهِ، فَرَمَى فِي وَجْهِهِ بِسَهْمٍ، فَقَالَ لِي: يَا مُسْلِمُ، أَدِنِ يَدَيْكَ مِنَ الدَّمِ، فَأَدْنَيْتُهُمَا، فَلَمَّا

امْتَلَأْنَا قَال: أُسْكِبُهُ فِي يَدِي، فَسَكَبْتُهُ فِي يَدِهِ، فَتَنَفَّحَ بِهِمَا إِلَى السَّمَاءِ، وَقَالَ: اللَّهُمَّ  
اطْلُبْ بِدَمِ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ. قَالَ مُسْلِمٌ: فَأَوْقَعَ مِنْهُ إِلَى الْأَرْضِ قَطْرَةً؛ (محمدي  
ری شهری، ۱۳۸۸/۷: ۲۱۸/۷؛ ابن عساکر، بی تا: ۲۲۳/۱۴)

مُسلم بن ربیع، غلام آزاد شده علی بن ابی طالب علیه السلام [می گوید]: روز شهادت  
حسین بن علی علیه السلام، با او بودم. تیرهایی به صورتش اصابت کرده بود. به من  
فرمود: «ای مُسلم! دستت را زیر خون ها بگیر». گرفتم. چون [دست هایم از خون]  
پُر شدند، فرمود: «آنها را در دستم بریز». آنها را در دستش ریختم. آنها را به سوی  
آسمان پاشید و گفت: «خدایا! خون فرزند دختر پیامبرت را بستان». قطره ای از آن  
خون، بر زمین نریخت.

#### ب) اصابت تیری به سینه امام علیه السلام

در مقاتل آمده است که وقتی امام حسین علیه السلام بر اثر نبرد، کم توان شد، ایستاد و به  
استراحت پرداخت. همان هنگام، سنگی آمد و به پیشانی اش خورد. خون از پیشانی آن  
حضرت، سرازیر شد. پارچه ای را گرفت تا خون از پیشانی اش پاک کند که تیری با پیکان  
سه شاخه آهنین و مسموم آمد و در ناحیه قلبش نشست. حسین علیه السلام گفت: «به نام خدا و  
یاری خدا، و بردین پیامبر خدا!». آن گاه، سرش را به سوی آسمان بالا برد و فرمود: «خدای  
من! تومی دانی که آنان، مردی را می کشند که جز او، فرزند پیامبری بر روی زمین نیست».  
سپس تیر را گرفت و آن را از پشت خود بیرون کشید. خون مانند ناودان، از آن سرازیر شد.  
حسین علیه السلام دستش را بر زخم نهاد و چون از خون پُر شد، آن را به آسمان پاشید. قطره ای از  
آن، باز نگشت... دوباره دستش را بر زخم نهاد و چون [از خون] پُر شد، به سرو محاسنش  
کشید و فرمود: «به خدا سوگند، این گونه خواهم بود تا جدم محمد صلی الله علیه و آله را با خضاب خون،  
دیدار کنم و بگویم: «ای پیامبر خدا! فلانی و فلانی، مرا کشتند» (محمدي ری شهری،  
۱۳۸۸/۷: ۲۲۱).

#### ج) اصابت تیری به گلو امام علیه السلام

شیخ مفید اصابت تیر به گلو امام حسین علیه السلام را این گونه نقل می کند:

رَكِبَ [الْحُسَيْنُ علیه السلام] الْمُسْتَنَاءَ يُرِيدُ الْفُرَاتَ وَبَيْنَ يَدَيْهِ الْعَبَّاسُ أُخُوهُ، فَأَعْتَرَصَتْهُ حَيْلٌ

ابن سعد، وفیهم رجل من بنی دارم، فقال لهم: ویلکم! حولوا بینة و بین الفرات ولا تمکنوه من الماء. فقال الحسین علیه السلام: اللهم اظمئه! فغضب الدارمی ورماه بسهم فأثبتته في حنكه، فانتزع الحسین علیه السلام السهم، وبسط يده تحت حنكه فامتلت راحته بالدم، فرمی به ثم قال: اللهم انی أشکوالیک ما یفعل باین بنت نبيک. ثم رجح إلى مکانه وقد اشتد به العطش؛ (مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۹/۲)

حسین علیه السلام بر سیل بند فرات بالا رفت تا خود را به آب برساند. برادرش عباس علیه السلام پیش رویش بود. سواران ابن سعد، راه بر او گرفتند. در میان آنان، مردی از بنی دارم بود که به آن سواران گفت: وای بر شما! میان او و فرات، مانع شوید و آب را در اختیارش نگذارید. حسین علیه السلام گفت: «خدایا! او را تشنه بگذار». مرد دارمی خشمگین شد و تیری به سوی امام علیه السلام انداخت که بر زیر گلویش نشست. حسین علیه السلام تیر را بیرون کشید و دستش را زیر گلویش گرفت. کف دستانش از خون، پُر شد. آنها را پاشید و سپس گفت: «خدایا! از آن چه با پسر دختر پیامبرت می‌کنند، به تو شکوه می‌برم». سپس به جایگاهش بازگشت، در حالی که تشنگی اش شدت یافته بود.

سید بن طاووس مشابه نقل شیخ مفید را چنین بیان می‌کند:

ثم رماه [أبي الإمام الحسين علیه السلام] سناناً أيضاً بسهم، فوقع السهم في نحره، فسقط علیه السلام وجلس قاعداً، فنتزع السهم من نحره، وقرن كفيه جميعاً وكلماً امتلاًتا من دمايه خصب بها رأسه وحيته، وهو يقول: هكذا ألقى الله محضاً بدمي، معصوباً على حقي؛ (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۲۵)

سپس سنان نیز تیری به سوی امام حسین علیه السلام انداخت. تیر بر گلویش نشست. امام علیه السلام [بر زمین] افتاد. سپس به سمت راست نشست و تیر را از گلویش بیرون کشید و دو دستش را کنار هم گرفت و هرگاه از خورش پُر می‌شدند، سرو صورتش را با آن خضاب می‌کرد و می‌فرمود: «خدا را این‌گونه، خضاب کرده از خونم و با حق غصب شده‌ام دیدار خواهم کرد».

#### د) اصابت تیری بر دهان امام علیه السلام و پاشیدن خون به آسمان

ابن اثیر - مورخ اهل تسنن - اصابت تیر بر دهان مبارک امام حسین علیه السلام و پاشیدن خون خود را به آسمان این‌گونه گزارش می‌کند:



اِشْتَدَّ عَطَشُ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَدَنَا مِنَ الْفُرَاتِ لِيَشْرَبَ، فَرَمَاهُ حُصَيْنٌ بِنُ مُمِيرٍ بِسَهْمٍ فَوَقَعَ فِيهِ، فَجَعَلَ يَتَلَقَّى الدَّمَ بِيَدِهِ وَرَمَى بِهِ إِلَى السَّمَاءِ، ثُمَّ حَمَدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْكُو إِلَيْكَ مَا يُصْنَعُ بِابْنِ بِنْتِ نَيْبِكَ، اللَّهُمَّ أَحْصِهِمْ عَدَدًا، وَاقْتُلْهُمْ بَدَدًا، وَلَا تُبْقِ مِنْهُمْ أَحَدًا. وَقِيلَ: الَّذِي رَمَاهُ رَجُلٌ مِنْ بَنِي أَبَانَ بْنِ دَارِمٍ؛ (ابن اثير، بی تا: ۱۷۶/۲)

تشنگی حسین عليه السلام شدت گرفت. نزدیک فرات شد تا آبی بیاشامد. حُصَيْن بن نُمَيْر، تیری به سوی ایشان انداخت که به دهانش اصابت کرد. حسین عليه السلام خون را با دستش می گرفت و به سوی آسمان پرتاب می کرد. سپس حمد و ثنای الهی را به جای آورد و آن گاه گفت: «بار خدایا! از رفتاری که با پسر دختر پیامبرت می کنند، به تو شکوه می برم. بار خدایا! یکایکشان را به شمار آور و یکایک آنان را بکش و هیچ یک از ایشان را باقی مگذار».

نیز گفته اند: کسی که به حسین عليه السلام تیر انداخت، مردی از قبیله بنی ابان بن دارم بود (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۲۲۶/۷). این چنین صحنه عاشورا لحظه به لحظه با خون امام حسین عليه السلام رنگین شد؛ تا جایی که گزارش شده است روز عاشورا پس از شهادت امام حسین عليه السلام زیر هر سنگی خون جاری شد و آسمان تا مدت ها خونین بود.

### جاری شدن خون زیر سنگ ها پس از شهادت امام حسین عليه السلام

درباره جاری شدن خون از زیر سنگ ها از امام صادق عليه السلام چنین روایت شده است:

عبد الملک بن مروان - و به روایتی، هشام بن عبد الملک - به فرماندارش در مدینه نوشت: «محمّد بن علی [باقر] را به سوی من روانه کن».

پدرم روانه شد و مرا نیز با خود برد. رفتیم تا به مدین شعیب عليه السلام رسیدیم. در آن جا دیری (صومعه ای) بزرگ دیدیم که افرادی با لباس های پشمینه و زبر، بردران ایستاده بودند. پدرم بر من لباس پوشاند و خود نیز لباس زبری پوشید. سپس دستم را گرفت و آمدیم تا نزد آن افراد نشستیم و با ایشان وارد دیر شدیم. در آن جا پیرمردی سال خورده را دیدیم که ابروهایش روی چشم هایش ریخته بودند. او به ما نگریست و به پدرم گفت: تو از ما (نصارا) هستی یا از این امت که مورد رحمت اند؟



پدرم فرمود: «نه! من از این ائمتم که مورد رحمت اند».

او گفت: از عالمان آن هستی، یا از جاهلان آن؟

پدرم فرمود: «از عالمان آن».

گفت: از تو مسئله ای می پرسم.

پدرم فرمود: «آن چه می خواهی، بپرس»...

او پرسش های فراوانی پرسید و پدرم به همه آنها پاسخ داد... سپس رفتیم تا نزد عبد الملک رسیدیم... و او گفت: مسئله ای برایم پیش آمده که عالمان پاسخ آن را نمی دانند. به من بگو که هرگاه این ائمت، پیشوای واجب الاطاعه خود را بکشند، خداوند چه عبرتی را در آن روز، به ایشان نشان می دهد؟

پدرم گفت: «هرگاه این گونه شود، سنگی را بلند نمی کنند، مگر آن که زیرش خون تازه خواهند دید». عبد الملک، سر پدرم را بوسید و گفت: راست گفتی. در روزی که پدرت علی بن ابی طالب کشته شد، پدرم مروان، فرمان داد سنگ بزرگی را که بر در [خانه] او بود، بردارند و ما در زیر آن، خونی تازه را دیدیم که می جوشید. من نیز خود، حوض آب بزرگی در باغم داشتم که در دوسوی آن، سنگ های سیاه بود. دستور دادم که برداشته شوند و به جایشان، سنگ سفید گذاشته شود. از قضا در همان روز، حسین کشته شده بود. من دیدم که از زیر آن سنگ ها خونی تازه می جوشد. اینک آیا نزد ما می مانی تا با هر آن چه بخواهی، احترامت کنیم یا باز می گردی؟ پدرم فرمود: «به نزد قبر جدّم (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله) باز می گردم». عبد الملک نیز اجازه بازگشت داد. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۳۷۵/۷)

### خون گریستن آسمان پس از شهادت امام حسین علیه السلام

مرحوم شیخ صدوق و شیخ طوسی دو روایت بر خون گریستن آسمان بعد از شهادت

امام حسین علیه السلام نقل کرده اند:

عن الرّیّان بن شیبیب عن الرضا علیه السلام حدّثنی اّبی عن اّبیّه عن جدّه [الباقی] علیه السلام أنّه لما قُتِلَ جدّی الحسین علیه السلام أمطرت السماء دما وثرابا أحمر؛ (صدوق، ۱۳۷۸: ۳۰۰/۱)

به نقل از ریّان بن شیبیب، از امام رضا علیه السلام: پدرم از پدرش، از پدر بزرگش (امام باقر علیه السلام) نقل کرد که چون جدّم حسین علیه السلام شهید شد، از آسمان، خون و خاک

سرخ بارید.

عن عمارین ابی عمار: أمْطَرَتِ السَّمَاءُ يَوْمَ قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ دَمَا عَبِيطًا؛ (طوسی،  
۱۴۱۴: ۳۳۰)

به نقل از عمار بن ابی عمار: روز شهادت حسین علیه السلام آسمان خون تازه بارید.

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا دوبار با خون فرزندان خود نیز صفحه آسمان را رنگین نمود تا پیام حق را برای ابد به گوش جهانیان برساند.

### پاشیدن خون حضرت علی اکبر علیه السلام به آسمان

علی اکبر علیه السلام - بزرگ‌ترین پسر امام حسین علیه السلام - از نظر صورت و سیرت و سخن گفتن، به حدی شبیه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود که هر کس شوق دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را داشت، به او می‌نگریست؛ چنان‌که پدر بزرگوارش طبق نقلی، هنگام رفتن وی به میدان نبرد فرمود:

خداوندا! گواه باش که جوانی برای جنگ با آنان می‌رود که شبیه‌ترین مردم به پیامبرت از جهت صورت و سیرت و سخن گفتن است و ما هرگاه مشتاق دیدار پیامبرت می‌شدیم، به او نگاه می‌کردیم. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۷/۷)

علی اکبر علیه السلام در واقعه عاشورا، از ارکان سپاه امام علیه السلام به شمار می‌رفت. تأکید او بر حق‌مداری و دفاع از حق تا ایثار جان، هنگام شنیدن خبر به شهادت رسیدن خود در مسیر کربلا از پدر بزرگوارش، اذان گفتن برای اقامه جماعت به امامت حسین علیه السلام در جریان برخورد سپاه حُر با کاروان امام علیه السلام، بر عهده گرفتن مسئولیت آب‌رسانی به خیمه‌ها در شب عاشورا و همچنین داوطلب شدن ایشان برای شهادت پیش از دیگر بنی‌هاشم، بنا بر نقل مشهور، از ویژگی‌های آن فرزند برومند سید الشهداء علیه السلام است.

در زیارت‌نامه حضرت علی اکبر علیه السلام می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَابْنَ خَلِيفَةِ رَسُولِ اللَّهِ، وَابْنَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ مُضَاعَفَةً، كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي مِنْ مَذْبُوحٍ وَمَقْتُولٍ مِنْ غَيْرِ جُرْمٍ، وَيَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي لَدُمُّكَ الْمُرْتَقَى بِهِ إِلَى حَبِيبِ اللَّهِ، وَيَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي مِنْ مُقَدَّمِ بَيْنِ يَدَيِ أَبِيكَ،



يَحْتَسِبُكَ وَيَبْكِي عَلَيْكَ، مُحْرَقًا عَلَيْكَ قَلْبُهُ، يَرْفَعُ دَمَكَ بِكَفِّهِ إِلَى أَعْنَانِ السَّمَاءِ لَا تَرْجِعُ مِنْهُ قَطْرَةٌ؛ (ابن قولويه، ۱۳۵۶: ۲۳۹؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۱۱/۳۷۶)

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، ای فرزند پیامبر خدا، و فرزند جانشین پیامبر خدا، و فرزند دختر پیامبر خدا! رحمت و برکات دوچندان خدا، هرگاه که خورشید، طلوع یا غروب می‌کند بر تو باد! سلام بر تو و بر جان و پیکرت! پدر و مادرم، فدای کُشته‌ای که بدون هیچ جرمی، ذبح شد! پدر و مادرم فدایت باد که خونت تا آن جا که خدا دوست داشت، بالا رفت! و پدر و مادرم فدایت باد که پیش روی پدرت، پیکار می‌کردی و او تو را به حساب خدا می‌نهاد و می‌گریست و دلش آتش گرفته بود. خونت را با کف دستش، به کرانه‌های آسمان پاشید و قطره‌ای باز نیامد.

این بار نیز ورق‌های تاریخ و صحنه عاشورا به رنگ سرخ خون شبیه‌ترین فرد به رسول خدا ﷺ رنگ آمیزی شد تا تاریخ، سند جنایت یزیدیان را ثبت کند.

### پاشیدن خون گلوی حضرت علی اصغر علیه السلام به آسمان

بر پایه برخی از گزارش‌ها درباره فرزندان امام حسین علیه السلام، ایشان شش پسر داشت که دو تن از آنان، عبدالله و علی اصغر نام داشته‌اند. بنا بر گفته ابن طلحه احتمالاً این دو فرزند امام علیه السلام در روز عاشورا شهید شده‌اند؛ با این تفاوت که یکی شیرخواره و دیگری چند ساله بوده است. گزارش‌هایی که کلمه «رضیع» (شیرخواره) در آنها به کار رفته یا تصریح می‌کنند که فرزندی از امام علیه السلام که در روز عاشورا به دنیا آمده بود، روی دست پدر، تیر خورد و شهید شد، به شهادت یکی از این فرزندان اشاره دارد. به نظر می‌رسد از یک سو، تشابه شماری از گزارش‌های مربوط به شهادت این دو کودک و از سوی دیگر، اختلاف شماری دیگر از آنها و همچنین، اختلاف در نام مادر فرزند خردسال امام علیه السلام که شهید شده، حاکی از بی‌دقتی گزارشگران در گزارش شهادت این دو کودک و عدم تفکیک آنها از یکدیگر است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۱۱/۳۷۶).

در زیارت ناحیه مقدسه آمده است:

السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْظَّفَلِ الرَّضِيعِ، الْمَرْمِيِّ الصَّرِيعِ، الْمُنْتَسَحِطِ دَمًا،

الْمُصَعَّدِ دَمُهُ فِي السَّمَاءِ، الْمَذْبُوحِ بِالسَّهْمِ فِي جِجْرِ أَبِيهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَرَامِيَهُ حَرْمَلَةَ بَنِ كَاهِلِ الْأَسَدِيِّ وَذَوِيهِ؛ (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۸۸)

سلام بر عبد الله بن الحسين، کودک شیرخواره تیرخورده ضربت خورده به خون تپیده که خورش به آسمان پرتاب شد و در دامان پدرش با تیر، سر بریده شد! خدا لعنت کند حرملة بن کاهل اسدی و همراهانش را که به او تیر زدند!

همچنین در زیارت ناحیه دوم آمده است:

السَّلَامُ عَلَيَّ عَلِيِّ الْكَبِيرِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الرَّضِيِّ الصَّغِيرِ؛ (همو: ۴۹۸)  
سلام بر علی بزرگ! سلام بر شیرخواره کوچک!

در یکی از زیارت‌های روز عاشورا نام علی اصغر آمده است:

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَأَوْلَادِكَ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُتَقِيمِينَ فِي حَرَمِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَعَلَى الشُّهَدَاءِ الَّذِينَ اسْتُشْهِدُوا مَعَكَ وَبَيْنَ يَدَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ وَعَلَى وَلَدِكَ عَلِيِّ الْأَصْغَرِ الَّذِي فُجِعَتْ بِهِ؛ (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۵۷۲/۲)

بنابراین اختلاف منابع در یکی بودن یا دوفرد بودن علی اصغر و عبد الله رضیع وجود دارد؛ اما آن چه مسلم است شهادت این طفل در روز عاشورا است که در نحوه شهادت او نیز نقل‌های مختلفی بیان شده است.

در یکی از نقل‌ها می‌خوانیم:

لَمَّا رَأَى الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَصَارِعَ فِتْيَانِهِ وَأَحِبَّتِيهِ، عَزَمَ عَلَى لِقَاءِ الْقَوْمِ بِمُهْجَتِهِ، وَنَادَى: هَلْ مِنْ ذَاتٍ يَذُبُّ عَنِ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ؟ هَلْ مِنْ مُوَحَّدٍ يَخَافُ اللَّهَ فِينَا؟ هَلْ مِنْ مُعِيثٍ يَرْجُو اللَّهَ يَا غَائِتِنَا؟ هَلْ مِنْ مُعِينٍ يَرْجُو مَا عِنْدَ اللَّهِ فِي إِعَانَتِنَا؟ فَارْتَفَعَتْ أَصْوَاتُ النِّسَاءِ بِالْعَوِيلِ، فَتَقَدَّمَ إِلَى بَابِ الْحَيْمَةِ، وَقَالَ لِرِزْبَنْ: نَاوِلْنِي وَوَلَدِي الصَّغِيرَ حَتَّى أُودِعَهُ، فَأَخَذَهُ وَأَوْمَأَ إِلَيْهِ لِيُقْبَلَهُ، فَرَمَاهُ حَرْمَلَةُ بَنِ الْكَاهِلِ بِسَهْمٍ فَوَقَعَ فِي نَحْرِهِ فَذَبَحَهُ. فَقَالَ لِرِزْبَنْ: خُذِيهِ، ثُمَّ تَلَقَى الدَّمَ بِكَفَيْهِ حَتَّى امْتَلَأَتْ، وَرَمَى بِالدَّمِ حَوْلَ السَّمَاءِ وَقَالَ: هَوَّنْ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بَعِينِ اللَّهِ. قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَلَمْ يَسْقُطْ مِنْ ذَلِكَ الدَّمِ قَطْرَةٌ إِلَى الْأَرْضِ؛ (همو، ۱۳۴۸: ۱۱۷)

هنگامی که حسین علیه السلام شهادت جوانان و محبوبانش را دید، تصمیم گرفت که

خود به میدان برود و ندا داد: «آیا مدافعی هست که از حرم پیامبر خدا ﷺ دفاع کند؟ آیا یکتاپرستی هست که درباره ما از خدا بترسد؟ آیا دادرسی هست که به خاطر خدا به داد ما برسد؟ آیا یاری دهنده‌ای هست که به خاطر خدا ما را یاری دهد؟». پس صدای زنان، به ناله برخاست. امام علیؑ به جلوی درخیمه آمد و به زینبؑ فرمود: «کودک خردسالم را به من بده تا با او خدا حافظی کنم». او را گرفت و می‌خواست او را ببوسد که حرم‌ة بن کاهل، تیری به سوی او انداخت که در گلویش نشست و او را ذبح کرد. امام علیؑ به زینبؑ فرمود: «او را بگیر!». سپس کف دستانش را زیر خون [گلولی او] گرفت تا پُرشدند. خون را به سوی آسمان پاشید و فرمود: «آن چه بر من وارد می‌شود، برایم آسان است؛ چون بر خدا پوشیده نیست و در پیش دید اوست». امام باقرؑ [درباره آن خون] فرموده است: «از آن خون، یک قطره هم به زمین باز نگشت». (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۳۷/۷)

در نقلی دیگر آمده است:

لَمَّا رَأَاهُمُ الْحُسَيْنُ ﷺ مُصْرَبِينَ عَلَى قَتْلِهِ، أَخَذَ الْمُصْحَفَ وَنَشَرَهُ، وَجَعَلَهُ عَلَى رَأْسِهِ، وَنَادَى: بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ كِتَابُ اللَّهِ، وَجَدَى مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، يَا قَوْمِ! بِمِ تَسْتَجَلُونَ دَمِي؟!... فَالْتَفَتَ الْحُسَيْنُ ﷺ فَإِذَا بِطِفْلِ لَهُ يَبْكِي عَظْشًا، فَأَخَذَهُ عَلَى يَدِهِ، وَقَالَ: يَا قَوْمِ، إِنْ لَمْ تَرَمُونِي فَأَرْحَمُوا هَذَا الطِّفْلَ، فَرَمَاهُ رَجُلٌ مِنْهُمْ بِسَهْمٍ فَذَبَحَهُ، فَجَعَلَ الْحُسَيْنُ ﷺ يَبْكِي وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ احْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمٍ دَعَوْنَا لِيَتَّبِعُونَا فَفَقْتَلُونَا. فَنَادَى مِنَ الْهَوَا: دَعُهُ يَا حُسَيْنُ؛ فَإِنَّ لَهُ مَرْضِعًا فِي الْجَنَّةِ؛ (همو: ۴۳)

وقتی حسین علیؑ دید که آنها برگزشتن او پافشاری می‌کنند، قرآنی را گرفت و آن را باز کرد و بر سرش نهاد و ندا داد: «کتاب خدا و نیز جدم محمد، فرستاده خدا، میان من و شما [داوری کند]. ای مردم! برای چه خونم را حلال می‌شمیرید؟!...». همچنین حسین علیؑ به سوی یکی از کودکانش - که از تشنگی می‌گریست - رفت؛ او را بر سر دست گرفت و گفت: «ای قوم! اگر بر من رحم نمی‌کنید، برایم کودک، رحم کنید». در این حال، مردی از آنان، تیری به سوی او انداخت و ذبحش کرد. حسین علیؑ می‌گریست و می‌گفت: «خدایا! میان ما و گروهی که ما را دعوت کردند تا ما را یاری دهند، اما ما را کُشتند، داوری کن». در این هنگام از آسمان ندایی رسید: «او را واگذار - ای حسین - که او را در بهشت، شیر می‌دهند».

نقل شده است امام حسین علیه السلام پس از شهادت طفل شیرخوار این چنین دعا کرد:

مقاتل الطالبتین عن مورع بن سوید بن قیس: حَدَّثَنَا مَنْ شَهِدَ الْحُسَيْنَ علیه السلام قَالَ: كَانَ مَعَهُ ابْنُهُ الصَّغِيرُ فَجَاءَ سَهْمٌ فَوَقَعَ فِي خَرْبِهِ. قَالَ: فَجَعَلَ الْحُسَيْنُ علیه السلام يَأْخُذُ الدَّمَ مِنْ خَرْبِهِ وَلَيَّبْتِهِ فَيَرْمِي بِهِ إِلَى السَّمَاءِ فَمَا يَرْجِعُ مِنْهُ شَيْءٌ، وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ لَا يَكُونُ أَهْوَنَ عَلَيْكَ مِنْ فَصِيلٍ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/۴۷)

در مقاتل الطالبتین از مورع بن سوید بن قیس نقل شده است: یکی از حاضران در کنار حسین علیه السلام برایمان گفت: همراه حسین علیه السلام پسر خردسالش (علی اصغر) هم بود که تیری آمد و در گلویش نشست. حسین علیه السلام خون را از گلویش او و گودی زیر گلویش می گرفت و به سوی آسمان می پاشید و از آن، چیزی [به زمین] بازمی گشت. حسین علیه السلام می گفت: «خدایا! نزد تو از بچه شتر [صالح علیه السلام] کمتر نباشد».

امام علیه السلام در حقیقت با این دعا درخواست می کند که خداوند انتقام خون این طفل شیرخوار را از قاتلان آن بگیرد و آنها را به عذاب سختی دچار نماید؛ زیرا آن گونه که در تفاسیر آمده است، ناقه صالح به صورت یک معجزه و باعث روشنگری و هدایت مردم بوده است؛ اما عده ای این امر را برنتافتند و سرانجام این ناقه را کشتند و خداوند آنان را به عذابی سخت مبتلا کرد. امام حسین علیه السلام نیز با این درخواست از خداوند که این طفل شیرخوار - که بی گناه به دست این ناهلان کشته شده است - از ناقه صالح کمتر نباشد، در واقع درخواست عذاب این افراد را از خداوند دارند که این خود سندی دیگر از مظلومیت امام و شهدای کربلاست.

#### الف) اسرار شهادت طفل شیرخوار کربلا علیه السلام

درباره این که چرا امام حسین علیه السلام کودک شیرخوار خود را مقابل دشمن آورد، دلایلی گوناگون ذکر شده است؛ اما موارد زیر را به عنوان گوشه ای از اسرار آن می توان برشمرد:

۱. اتمام حجت برای مردم و دشمن که اگر حق با ما نبود، کودک شیرخوار خود را سپرتیر جفا نمی کردیم.
۲. وقتی امام علیه السلام طفل را گرفت و بوسید و او را روی دست های خود به میدان آورد و در

مقابل دشمن ایستاد، اندوه ملائکه مقربین و ارواح انبیای مرسلین و اوصیای صدیقین افزون شد.

۳. با شهادت علی اصغر علیه السلام عشق و محبت امام حسین علیه السلام در دریای خشوع و خضوع و بندگی حق تعالی غوطه ور شد و بر طلب رضای محبوب، فرزند شیرخوارش حضرت علی اصغر علیه السلام به شهادت رسید.

۴. آن چه امام حسین علیه السلام در مهمانی رحمانی نثار نمود، خون های طاهره است؛ این خون نیز از آن جمله بود.

۵. شهادت علی اصغر علیه السلام یکی از ابواب رحمت الهی برای شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ زیرا عنایت الهی چنین اقتضا نمود که برای سیدالشهدا علیه السلام مصائبی پیش آید که دل ها را با تمام دواعی و کشش های مختلف خود، محزون و چشم ها را گریان کند. بی گمان شهادت این طفل، دل ها را محزون و چشم ها را گریان می کند؛ هر چند که قساوت گرفته باشد (صدری، ۱۳۸۹: ۱۲۰ - ۱۲۱).

#### ب) اسرار فرستادن خون مقدس طفل به آسمان

۱. کشتن آن شیرخوار، بزرگ ترین سند مظلومیت حضرت است و خون فرزندش را به آسمان فرستاد تا باقی بماند و در فردای قیامت، شکایت از این مردم را نزد جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ببرد.

۲. شاید سرش این باشد که اهل آسمان، مراتب عبودیت حسینی را ببینند و همت عالی او معلوم شود که طفل شیرخوار خود را در راه حق فدای دین جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نمود.

۳. سرش این است که آسمان را مشرف کرد و آن را گنجینه خون این طفل شیرخوار قرار داد (همو: ۱۲۲).

#### ج) چرایی بازنگشتن خون ها از آسمان

۱. مصیبت شیرخوار کربلا، بزرگ ترین مصائب بود؛ زیرا شهدای دیگر با تیغ زبان و شمشیر خون چکان با دشمنان می جنگیدند؛ اما این کودک نه زبان بیان و نه شمشیر

خون چکان داشت. پس اگر آن خون به زمین می ریخت، مایه نزول عذاب بر اهل زمین می شد.

۲. برخی گمان کرده اند علت بازنگشتن خون علی اصغر علیه السلام این بوده که اگر قطره ای از آن خون به زمین می ریخت، بلا نازل می شد، ولی این چنین نیست؛ زیرا افضل از خون گلوی علی اصغر علیه السلام خون گلوی اطهر خود حسین علیه السلام بود که بر روی زمین ریخت و خداوند به سبب امتحان مهلت داده است.<sup>۱</sup> از این رو، خون گلوی علی اصغر، خون علی اکبر و خون قلب حسین علیه السلام که حضرت به جانب آسمان افشاند و به سوی زمین بازنگشت و ملائکه آسمان آنها را در ظروف بهشتی، به عنوان هدیه به سوی جنت بردند؛ چنان که در زیارت ایشان آمده است:

أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ وَأَفْشَعَتْ لَهُ أَظْلَمَةُ الْعَرْشِ. (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۵۷۶)

۳. زیرا قطره ای واحد از این خون به منزله هزاران شاهد صدق در دعوی حضرت بود و مانند این هدیه حسینی که از فرط محبت به درگاه الهی عرضه می شود، تنها از ذخایر گنج های عرش و کرسی است و اگر خداوند یکی از حمله عرش و سکان کرسی را ذره ای از این خون عطا نماید، نعمتی است که فوق آن نعمتی تصور نمی شود (صدری، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

در حقیقت رفتن این خون های پاک به سوی آسمان، از باب کلمات طیب و عملی صالح هستند که بالا می روند و به فرد عزت می بخشند.<sup>۲</sup> خون پاک امام حسین علیه السلام و فرزندان او که به آسمان پاشیده شد و به زمین بازنگشت، مصداق همین کلمه طیب و عمل صالح است که مایه عزت شد و دین اسلام را زنده نگه داشت.

### نتیجه گیری

منطق امام حسین علیه السلام منطق شهید بود. منطق شهید یعنی منطق کسی که برای جامعه خویش پیامی دارد و این پیام را جز با خون با چیز دیگری نمی نویسد. امام با خونین کردن

۱. «إِنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ لِيُزِدُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ» (آل عمران: ۱۷۸).

۲. «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَضَعُ الْكَلِمَ الطَّيِّبَ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر: ۱۰).



لحظه به لحظه صفحات عاشورا، پیام خود را با استواری هرچه تمام در تاریخ ثبت کرد. ایشان در روز عاشورا از راه‌های مختلف، این منطق را به جهانیان منتقل کرد که قیام ایشان، برای حفاظت از اسلام است که حتی در این راه خون طفل شیرخوار خود را فدا می‌کند و آن را به عنوان ودیعه‌ای به آسمان می‌سپارد که این عمل صالح، مایه عزت اسلام و زنده نگه داشتن دین اسلام شد.

## منابع

- اسماعیلی وردنجانی، مرتضی (۱۳۸۵ش)، حماسه عشق، چهارمحال وبختری، آصف، چاپ اول.
- ابن اثیر، علی بن محمد (بی تا)، *الکامل فی التاریخ*، بی جا، موقع الوراق.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، *إقبال الأعمال*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸ش)، *اللہوف علی قتلی الطفوف*، تهران، جهان، چاپ اول.
- ابن عساکر، ابی قاسم (بی تا)، *تاریخ دمشق*، بی جا، دارالفکر.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، *کامل الزیارات*، نجف، دارالمرتضویه، چاپ اول.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، قم، دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم.
- «خون بهای خدا»، <https://hawzah.net>
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم، چاپ اول.
- شامی، یوسف بن حاتم (۱۴۲۰ق)، *الدرالنظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم*، قم، جامعہ مدرسین، چاپ اول.
- صدری محمد (۱۳۸۹ش)، *فنداقه سرخ*، قم، دلیل ما، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الامالی*، تهران، کتابچی، چاپ ششم.
- صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، *عیون الاخبار الرضا علیہ السلام*، تهران، جهان، چاپ اول.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، چاپ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، قم، دارالثقافة، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیه،

- چاپ چهارم.
- گروهی از نویسندگان (۱۳۷۸ش)، موسوعة الامام الحسين، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
  - مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
  - محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸ش)، دانش نامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ اول.
  - مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، المزار الکبیر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
  - مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ش)، مجموعه آثار، تهران، صدرا، چاپ دوم.
  - مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
  - مکی، محمد (۱۴۱۰ق)، المزار، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول.
  - نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.

